

تاج کون

شرفاری منعم

# فہرست مندرجات

تقریباً استاد محترم آقای دکتر خیامپور

فہرست منابع

دیباچہ نگارندہ

## پیش گفتار

۱- مقدمہ

۲- سادہ نویسی

۳- ورود لغات بیکانہ

## گفتار اول

### فصل اول

اسلوب محاورہ

محمد علی جمال زادہ

### فصل دوم

سرہ نویسی

## آثار و نوپندگمان

۱- پروز نکارش پارسی

ابوالقاسم آزاد مراغہ

مجلہ نمکدان

روزنامہ ایران باستان

کسروی

## فصل سوم

کستان

## گفتار دوم

### فصل اول

صفحة ۴۲

سفرنامه

### فصل دوم

۴۴ •

روزنامه نویسی

۵۱ •

فهرست روزنامهجات

### فصل سوم

۸۸ •

مجلات

۹۴ •

فهرست مجلات

### فصل چهارم

۱۰۵ •

داستان نویسی و نویسندگان

۱۰۷ •

داستانهای کوتاه و نویسندگان

۱۰۸ •

صادق هدایت

۱۱۲ •

نمایشنامه

### فصل پنجم

۱۱۳ •

تحقیقات تاریخی و ادبی و غیره

۱۱۶ •

نظری اجمالی

«شبهه‌ای نیست در اینکه فن سبک‌شناسی در ادبیات اهمیت شایانی دارد و شایسته آنست که شخص مقدار زیادی از اوقات خود را برای فراگرفتن آن و مطالعه کتابهاییکه در آن باب نوشته شده صرف‌نماید آخرین و مفیدترین کتابی که در این موضوع نوشته شده است کتاب «سبک‌شناسی» یا «تاریخ تحول نثر فارسی معاصر» تألیف آقای عزیز دولت آبادی است. گرچه کتابهاییکه تا کنون در این فن نوشته شده است هرچه باشد فضل تقدم دارند، ولی تألیف آقای دولت آبادی علاوه بر اینکه مکمل بسیاری از مطالب مندرج در آنها است مباحث تازه‌ای نیز دارد که نتیجه تحقیقات و تتبعات خود مؤلف است.

امیدوارم فرهنگ دوستان و دانشجویان با اظهار علاقه بمطالعه این کتاب سودمند مؤلف را تشویق نمایند تا او نیز در نتیجه بتالیفات دیگری از این قبیل اقدام نماید»

دکتر خیامپور - دانشیار دانشکده ادبیات تبریز

## « دیباچه »

سبک‌شناسی یا تاریخ تحول از رشته‌های جدیدی است که دانشمندان تا یک قرن پیش هیچگونه اطلاعی از آن نداشتند در دوره صفویه هنگامیکه سبک « هندی » در شعر جانشین شیوه « عراقی » گردید محققین ضمن مشاهده اختلاف دو سبک متوجه این فن شدند و مقدمات تحقیق را فراهم ساختند.

در دوره قاجاریه محمد علی خان سروش ، شیبانی ، محمود خان در تکمیل مقدمات مذکور کوشیدند تا خانواده « صبا » جهت تعلیم « سبک‌شناسی » بشعرا مکتبی در تهران افتتاح کردند و مرحوم میرزا محمد کاظم صبوری این فن را از آن خانواده درک کرده به‌رزند خلف خود مرحوم ملک‌الشعراى بهار آموخت ؛ دانشمند فقید علاوه بر تعلیمات سودمند پدرش در محضر اساتید نامی از قبیل ادیب نیشابوری ، صید علیخان درگزی نیز بتکمیل معلومات پرداخته و پس از انتقال بتهران مقالات سودمندی مربوط بتحول نظم در مطبوعات مرکز مخصوصاً « مجله دانشکده » انتشار داده‌اند .

این مختصر درباره تاریخ تحول شعر بود و از « تطور نثر » تا سال ۱۳۱۰ شمسی غیر از مرحوم ملک‌الشعراى بهار که از دیر باز اوقات گرانبهای خود را صرف مطالعه و تحقیق در اطراف این فن مشکل و مهم مینموده ، کسی اطلاع جزئی نیز نداشته است .

بالاخره مرحوم بهار نتیجه مطالعات دقیق و تحقیقات سودمند خود را از ( ۱۳۱۹ - ۱۳۲۱ ) در سه جلد کتاب بعنوان « سبک‌شناسی » که شامل بحث در تحولات زبان فارسی از عهد باستان تا اوایل مشروطیت میباشد انتشار داد و بدین وسیله رشته جدیدی در ادبیات معاصر ایجاد کرد .

سیر تحول به پیروی از قانون طبیعت ادامه داشت - پس از فرمان مشروطیت روزنامه نویسی رواج یافت ، نوشتن سفرنامه ، داستان ، ناول ، نمایشنامه معمول شد که

همه دست اتحاد بهم داده بپراستن نثر از حشو و زوائد و صنایع و تکلفات پرداختند و آنرا با زیور سادگی مزین ساختند.

جمالزاده و هدایت اسلوب محاوره را متداول نمودند؛ سره نویسی معمول شد؛ فرهنگستان دایر گردید و لغات عربی را از نثر فارسی طرد کرد؛ ترجمه آثار خارجی معمول شد و افکار و تخیلات و لغات و اصطلاحات تازه‌ای وارد زبان فارسی گردید؛ طرز تحقیقات تاریخی و ادبی صورت جدید و صحیحی بخود گرفت بطور کلی تحول آشکاری بوجود آمد که سزاوار توجه و تحقیق و تدوین بود. ولی موانع و مشکلاتی در بر داشت که نگارنده را در آغاز امر حتی از انجام این خدمت ناچیز نیز مأیوس مینمود. بطوریکه اگر چنانچه از قبیل «تاریخ ادبیات معاصر» تألیف رشید یاسمی و مقالات و خطابه‌های تحقیقی و مؤثر دکتر پرویز خانلری (در باره نثر فارسی) و سخنرانی دکتر رعدی در فرهنگستان بعنوان (رستاخیز ادبی) و راهنماییهای استاد محترم آقای دکتر خیامپور و غیره بسر منزل مقصود هدایت نمیکردند و با عشق و علاقه وافر با ادبیات میهن عزیز مشوقم نمیبود هرگز قدرت بیمودن این جاده تاریک را نداشتم.

خلاصه التقاط و اقتباس از آثار دانشمندان معاصر را (که ذیل صفحات این کتاب بنام آنان مزین است) با تحقیقات جداگانه خود توأم ساختم و در نتیجه مجموعه یادداشتها را در سال ۱۳۲۹ بعنوان «پایاننامه تحصیلی» تقدیم دانشکده نمودم و پس از تلخیص و تکمیل موفق شدم که قسمت عمده آنرا در شماره‌های اخیر نشریه دانشکده ادبیات تبریز انتشار دهم.

اینک با علم بر اینکه حق مطلب چنانکه شایسته مقام رفیع زبان و نثر فارسی است ادا نشده، این تحفه کوچک را به پیشگاه فضلا و ادبا تقدیم میدارم و امیدوارم مورد قبول واقع گردد.

تحول و تطور اصل مسلم هستی و زندگی است و هیچ چیز جز «ناپایداری» پایدار نمانده و نخواهد ماند. تمام موجودات، اجتماعات، اعتقادات، اخلاق، آداب بالاخره (زبان و ادبیات) هر قوم و ملتی در طی زمان تحول میپذیرد. اصطلاحات و تعبیرات کهنه و منسوخ شده جای خود را با اصطلاحات تازه‌ای که متناسب با زمان حاضر است میدهد. بعضی لغات به علت از بین رفتن مورد استعمال آنها فراموش میشود و یا الفاظ مناسب و کوتاه‌تری برای بیان معنی پیدا شده و جانشین لغات قدیمی میگردد. کلمات رفته رفته سائیده‌تر و کوچک‌تر و وجوه تصریف افعال و ضمائر ساده و مختصرتر میگردد.

تحول زبان و نشر از مجموع این نکات و علل دیگر از قبیل آشنائی با ادبیات مثل ییگانه - روابط تجارتي و علمی و ادبی و انقلابات دینی و نفوذ سیاسی و غیره حاصل میشود. (چنانکه در نتیجه غلبه اعراب عدّه بیشماری از لغات عربی وارد زبان فارسی شد و یا در اثر انقلابات سیاسی و روابط تجارتي و علمی یکدسته لغات رومی - فارسی - هندی و ... وارد زبان عربی و یا در نتیجه جنبش اخیر و آشنائی با اروپا لغات علمی تازه وارد زبان پارسی گردید) تا زبانی ادبیات مکتوب ندارد بمرور زمان زبان قدیم فراموش گشته و تحول آن محسوس نمیشود و لکن همینکه آثار ملتی پایدار مانند در طی زمان صورت اصلی خود را حفظ میکند و در نتیجه سنجش و مقایسه آثار جدید با آثار قدیم تحول و اختلاف بخوبی آشکار میشود. بدیهی است که هر چند ادبیات ملتی قدیمتر و عالیتر باشد این اختلاف بیشتر خودنمائی میکند.

امروز در نتیجه علمی که ذکر شد در ادبیات معاصر مخصوصاً نشر فارسی تحولی مشاهده میشود که مورد بحث قرار گرفته است.

۴ - ساده نویسی :

بعد از استیلاي مغول نشر فارسی متانت خود را از دست داده بود و نویسندگان

محض اظهار فضل برای آوردن سجعی معنی را فدای لفظ می‌کردند صنایع و تکلفات و تفنن ادبی برسادگی نثر غلبه یافته و بسرحد کمال رسیده بود که ستاره‌ای درافق ادبیات درخشید و برعلیه یاره‌گوها و عبارت‌پردازها قیام کرد این قائم‌مقام فراهانی بود که باحسن ذوق شیوه مخصوصی ایجاد نمود و بوسیله پیروانش نثر فارسی را بطرف سادگی و متانت رهسپار ساخت.

نویسندگان اوایل دوره مشروطیت شیوه قائم‌مقام و امیر نظام گروسی را دوباره از زواید و صنایع برطرف ساخته تفنن ادبی و آرایش لفظی را کنار گذاشته و نثر را فقط برای تفهیم و تفهم که استعداد ذاتی آنست بکار بردند و از آن در پیشرفت مصالح ملی و بیدار کردن اذهان عمومی استفاده کردند. از جمله این گروه میتوان از سید جمال الدین اسدآبادی - ملک‌المکملین - شیخ احمد روحی - ناظم الاسلام کرمانی - میرزا ملکم خان - طالبوف - میرزا جهانگیر خان صور اسرافیل - مؤید الاسلام مدیر روزنامه جبل‌البتین و ... نام برد.

آشنائی نویسندگان با اسلوب نگارش اروپائی را نیز میتوان یکی از عوامل مهم ساده‌نویسی شمرد چون: «در کلیه ممالک متمدن که رشته ترقی را بدست آورده‌اند انشای ساده و بی تکلف عوام فهم روی سایر انشاها را گرفته و با اینکه اهالی آن ممالک عموماً مدرسه دیده و باسوادند و در فهم انشای مشکل نیز چندان عاجز و درمانده نیستند باز انشای ساده مدوح است .... علمای بزرگ هم سعی دارند که کتابها و نوشته‌های خود را تا اندازه مقدور بزبان ساده بنویسند» (۱)

دیگر از عوامل مهم ساده‌نویسی شیوع روزنامه‌نگاری میباشد - چون نویسندگان بملاحظه اینکه اغلب خوانندگان عوامند مجبور میشوند که متوسل بزبان ساده و نثری شوند که قابل فهم آنان بوده و از صنایع لفظی و معنوی و حشو و زواید دور و بزبان مکالمه و محاوره نزدیکتر باشد.

۳- ورود لغات بیگانه :

تادوره مشروطیت نثر در موضوعهای «حکمت» - «تاریخ» - «حکایت»

(۱) - صفحه ۵ کتاب «یکی بود یکی نبود» تألیف جمال زاده.